

## کتاب راهنمای حقوق بشر دوستانه در مناقشات مسلحانه

ویراسته: دیترفلک\*

به تجربه دریافته‌ایم که اگر «زندگی فردی و اجتماعی انسان، دو چهرهٔ مختلف از حقیقت زندگی اوست»<sup>(۱)</sup>، این واقعیت باید در «صلح» و «جنگ» جستجو شود و امنیت و آرامش مطلوب انسان را در این مفاهیم «تلخ و شیرین غیر قابل اجتناب! تعریف کنیم.» در این جهت، وجدان و احساس مشترک در قبال مشکلات و معضلاتی که حیات نوع بشر را تهدید می‌کند، مقتضی آن است که اقدامات بازدارنده و مقابله‌کننده شایسته و بایسته‌ای اندیشیده شود. آیا معضلی برتر از «جنگ»، قابل تصور است؟ اگر جنگ عارضهٔ منفی و ناخوشایندی تلقی شود و خشونت‌ها و بی‌رحمیهای جنگ نفی می‌شود، آیا عملاً می‌توان اقدامات پیشگیرانه‌ای را طراحی و عملی کرد؟ آیا اساساً جامعیت جنگ، حد و حصری را بر می‌تابد؟ اصولاً بین «قانونمندی» و «جنگ» چه نسبتی وجود دارد؟ حد شمول خشونت‌ها و شدت عمل‌های هنگام جنگ کجاست؟ آیا بی‌رحمیهای بی‌دلیل و خشونت‌های غیر قابل تحمل علیه دشمن، ذاتی جنگ است؟ و یا اینکه اساساً هدف در جنگ چیست؟ آیا هدف جنگ، در چارچوب اصول و معیارهای خاصی دنبال می‌شود و یا اینکه طرفین جنگ آزادی عمل دارند؟ و ...

نظر به تحولات مشهودی که در سطح بین‌المللی صورت گرفته و آثار بس مهمی که بر گستره و حد شمول صلاحیتهای دولت بر جای گذاشته و نیز متأثر از تجارب تلخ جنگ‌ها و فشار افکار عمومی، با ابتناب بر ملاحظات انسانی و ارزشی، نظام حقوقی بین‌المللی نیز دستخوش تحولات و دگرگونی‌های قابل ملاحظه‌ای شده است؛ واقعیتی

\* Dieter Fleck (ed), *The Handbook of Humanitarian Law in Armed Conflicts*, Oxford University Press, 1995.

که در روند قاعده‌سازی بین‌المللی و ظهور بازیگران غیر دولتی تأثیرگذار بر اقدامات دولتها، تجلی یافته است. از این منظر، حقوقی برای افراد انسانی وضع و تکالیفی برای دولتها مقرر می‌شود؛ «حقوق» و «تکالیفی» که باید در همه ابعاد زندگی و در زمان صلح و جنگ معیار عمل قرار گیرد. لذا ساز و کارهایی ایجاد گردیده‌است که انسانی کردن روابط و نهادینه کردن این مهم را مدنظر دارد. در این بستر، نهاد حقوقی موسوم به «حقوق بشر دوستانه بین‌المللی» شکل گرفته‌است که معطوف به ملاحظات اخلاقی - انسانی، در مقام نظم و نسق بخشیدن و ارائه راهکارهایی برای فعالیتهای بازیگران در زمان جنگ است. به تعبیر دیگر اگر راهبردهای سیاسی را توان جلوگیری از جنگ نبود، در صورت آغاز جنگ، متخاصمین در چارچوب اصول و قواعدی، جنگ را تداوم بخشند و پایان دهند! و از زیاده‌روی و اقدامات خشونت‌بار و بی‌رحمانه توأم با احساس نفرت تا حد امکان جلوگیری کنند. نهاد حقوقی «حقوق بشر دوستانه بین‌المللی»، اصولاً در پی این است که صدمات و آسیبهای ناشی از تعارضات و مناقشات مسلحانه را، از رهگذر حمایت و کمک به قربانیان، محدود کند.

کتاب راهنمای حقوق بشر دوستانه بین‌المللی، این نهاد حقوقی پویا را که مسیر تکاملی پرشتابی را در پیش دارد، مورد بررسی و تبیین قرار داده است، تحول تاریخی تکوین این نهاد و عهدنامه‌ها و توافقنامه‌هایی که از دل آن سربرآورده، مقوله‌ای است که حکایت از همکاری گسترده بین‌المللی داشته و امروزه ارتباطات گسترده بین‌المللی از سوی افراد، نهادهای رسمی و غیررسمی، به آن ویژگی خاصی بخشیده است؛ بواقع در پرتو همکاریهای گسترده دولتی - غیردولتی، راه برای تدوین و تنظیم تدریجی قواعد لازم و مشترک در تمامی فرهنگها و نظامهای حقوقی هموار شده است؛ امری که می‌تواند زمینه‌ساز مقوله مهم «اجرای قواعد» در سطوح خرد و کلان باشد. از نظر ویراستار مجموعه حاضر «این همکاریها نشان داده است که اجرای قوانین، در سطح داخلی و بین‌المللی، در عین حال مستلزم اقدامات اساسی است که در پرتو آن تمامی سیاستگذاران عرصه سیاست و مشاورین حقوقی - نظامی آنها به میدان فراخوانده شوند.»

تأثیرگذاری این روند پرشتاب را براحتی می‌توان در ایفای نقش نهادهای غیردولتی همچون کمیته بین‌المللی صلیب سرخ مشاهده کرد که در حوزه‌های نظری و عملی، بسیار قوی ظاهر شده است. اما واکنشها را در سطح نهادهای رسمی نیز می‌توان مشاهده

کرد؛ اقداماتی که از کنفرانسهای صلح لاهه به سالهای ۱۸۹۶ و ۱۹۰۷ شروع شده است، پس از پروتکل ۱۹۲۵ در خصوص ممنوعیت کاربرد سلاحهای شیمیایی و باکتریولوژیکی، به انعقاد معاهدات چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ منتهی می شود که نقطه عطفی در فرآیند تکوین حقوق بشردوستانه یا حقوق و قواعد زمان جنگ محسوب می شود. اما پروتکل‌های الحاقی به این کنوانسیونها و گسترش حد شمول این قواعد به روابط و مناقشات مسلحانه داخلی و نیز انعقاد معاهدات راجع تسلیحات متعارف و غیر متعارف (هسته‌ای - شیمیایی، باکتریولوژی کال)، مؤید این واقعیت است که حساسیت به اقدامات زمان جنگ، بسیار بیش از گذشته است. ویراستار کتاب این مسئله را در چارچوب چند اصل مورد توجه قرار می دهد؛ «در جنگ استفاده از زور مجاز است مشروط به اینکه به سمت اهداف نظامی هدف گیری شود. [اصل تفکیک اهداف نظامی از اهداف غیر نظامی] و آن هم مشروط بر اینکه باعث رنج بیهوده نگردد. [اصل تناسب].

بر این اساس می توان اقدامات گسترده‌ای را که در خصوص ممنوعیت تولید و استفاده از مینهای ضد نفر در سالهای اخیر صورت گرفته و یا پدیده «شفافیت و آشکارسازی تسلیحات» که به اجماع در مجمع عمومی مورد پذیرش قرار گرفته است، مورد توجه قرار داد. پیامدها و استلزامات ناگزیر این فرآیند پیچیده و پرشتاب را می توان در واکنش شورای امنیت سازمان ملل نیز پی گرفت که به منظور تعقیب و مجازات جنایتکاران جنگی در یوگسلاوی سابق، قطعنامه‌ای را صادر کرد که در پرتو آن دادگاه ویژه‌ای جهت محاکمه جنایتکاران جنگی و سایر جنایات بین‌المللی تشکیل گردید؛ امری که ضرورت وجود دادگاه بین‌المللی کیفری را بیش از پیش آشکار ساخت؛ دادگاهی که می تواند ضمانت اجرای قواعد بشردوستانه‌ای تلقی شود که همه دولتها ملزم‌اند در جهت تضمین و اجرای آن به نیروهای مسلح خود آموزش دهند. ویراستار کتاب، مجموعه حاضر را در این جهت مورد توجه قرار داده و آن را حاصل همکاری مستقیم محققین علمی و مسئولین اجرایی دانسته است که هدف آن صرفاً کمک به مطالعات آکادمیک نیست، بلکه آموزش حقوقی نیروهای مسلح نیز، وجهه همت مؤلفین این مجموعه بوده است.

کتاب مشتمل بر ۱۲ فصل و سه ضمیمه است. فصل (۱) تحت عنوان «تحول تاریخی و بنای حقوقی»، سیر تحول تاریخی و مبانی حقوقی حقوق بشردوستانه را تبیین

می‌کند. در این فصل، استلزامات اخلاقی و ضرورت‌های تاریخی توسعه حقوق بشر دوستانه مورد توجه قرار گرفته است و در بررسی این موضوع در حوزه‌های جغرافیایی و مذهبی بر این مطلب صحه گذاشته می‌شود که این تحولات، منحصراً اروپایی و یا مسیحی نیستند. از نظر ویراستار مجموعه «در دورانی که مشخصه تحولات اجتماعی، سرعت و کاهش فاصله‌هاست، ارائه یک مبنای چند فرهنگی برای قواعد بشر دوستانه، از اهمیت زیادی برخوردار است.» امری که در بررسی تفصیلی و منصفانه نویسنده فصل اول مشاهده می‌شود.

فصل دوم تحت عنوان «حوزه اعمال حقوق بشر دوستانه»، ضمن توجه به اصل «واقعیت صلح» و «وضعیت جنگ» حقوق بین‌الملل سنتی، بر این مطلب تأکید می‌شود که بدون تردید در زمانی که حالت صلح برقرار است و اعلام جنگ رسمی بین دو کشور صورت نپذیرفته، اگر تنها یکی از دو دولت خود را در حالت جنگ با دولت دیگر فرض کند، زمینه لازم و مقتضی برای اعمال و اجرای حقوق جنگ فراهم شده است. در این فصل به تعریف و تشریح مناقشات مسلحانه، اقدامات جنگی و منطقه جنگی و پایان مخاصمات و آتش‌بس و متارکه و انعقاد پیمان صلح و قواعدی که باید حسب مورد متوجه قرار گیرد، اشاره شده است.

همان طور که در سطور پیشین اشاره شده، نظر به تجارب تلخ و گرانبار و حزن‌انگیز جنگها در گذشته، حسب مورد دولتها و ملل به ضرورت محدود کردن فعالیت‌های جنگی از ابعاد مختلف پی بردند و بالمآل برای آنها مقررات تعدیل‌کننده‌ای را تدوین و تنظیم کردند. از جمله این موارد می‌توان به اصلی اشاره کرد که در پرتو آن باید در زمان جنگ بین رزمندگان و غیررزمندگان (شهروندان عادی) تفاوت قایل شد. این قضاوت در قالب اصل تمایز مورد پذیرش قرار گرفت؛ اصلی که در همه نوع عملیات جنگی، (زمینی، هوایی، دریایی) علیه دشمن باید مورد توجه قرار گیرد. یا اینکه چون هدف در جنگ غلبه بر دشمن و وادار به تسلیم کردن اوست، لذا متخاصمان منطقی در استفاده از ابزارهای نظامی آن آزادی عمل را نخواهند داشت که از هر وسیله‌ای و در هر سطحی استفاده کنند، لذا از یک سو باید بین اهداف نظامی و غیرنظامی و نیز نظامیان و غیرنظامیان تفکیک قایل شوند و از دیگر سو در استفاده از تجهیزات نظامی علیه دشمن باید محدودیتهایی را اعمال کنند که به تخریب بی‌جهت و یا رنج و آسیب بی‌دلیل

منجر نشود. در این گستره استفاده از سلاحهای میکربی، شیمیایی یا هسته‌ای مورد توجه قرار می‌گیرد. مطلب دیگری که در اینجا مطرح می‌شود این است اگر سرزمین دشمن اشغال گردید، ساکنین غیر نظامی منطقه از حقوق ویژه‌ای برخوردارند، به همان سان که پس از تصرف منطقه عملیاتی دشمن، زخمیها، بیماران و یا در نبرد دریایی کشتیهایی که توان رزم ندارند، تحت حمایت قرار می‌گیرند. و یا اینکه گرزمنده‌ای خود اسلحه بر زمین گذاشت و یا اینکه غافلگیر شد و اسیر گردید، چون توان مبارزه از او سلب می‌شود از حقوق خاصی برخوردار است و تحت حمایت قانونی قرار می‌گیرد. در همین جهت نیروهایی که در صحنه نبرد حضور دارند، اما نظامی تلقی نمی‌شوند، بلکه مبلغ مذهبی یا کارکنان بهداشت و درمان هستند، چون تهدید تلقی نمی‌شوند، لذا نباید همچون نظامیان با آنها برخورد شود. و یا اینکه در حمله به مراکز نظامی و استراتژیک دشمن جهت تضعیف توان او، باید توجه شود که نباید به مراکز فرهنگی حمله شود؛ مراکزی که از مقررات حمایتی ویژه‌ای برخوردار شده‌اند. این موارد در چارچوب اصول عام مورد پذیرش دولتهای عضو کنوانسیونهای حقوق جنگ، که تقریباً عمده موارد آن، به صورت عرف بین‌المللی درآمده، در فصول ۳ تا ۹ مجموعه حاضر، تحت عناوین زیر مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است: «رزمندگان و غیر رزمندگان»، «ابزارها و شیوه‌های رزم»، «حمایت از جمعیت غیر نظامی»، «حمایت از زخمیها، بیماران و کشتی شکستگان»، «حمایت از اسیران جنگی»، «کارکنان مذهبی» و «حمایت از اموال فرهنگی».

فصل ۱۰، تحت عنوان «حقوق مناقشات مسلحانه در دریا»، مسئله جنگ دریایی را مورد بررسی قرار داده که مشهور است، به موازات دگرگونیهای وسیع از حیث فن‌آوری و امکانات، که در عمل به توانمندیهای جنگ دریایی افزوده، حقوق این نوع جنگ تغییر نیافته است. طبیعت جنگ دریایی به گونه‌ای است که می‌توان در پرتو امکانات، همچون جنگهای زمینی به غیر نظامیان آسیب وارد آورد، اما افزون بر آن در این نوع جنگ آسیب‌پذیری در عرصه دریاها نیز بیشتر است. بر این اساس، اهداف نظامی در جنگ دریایی، روشها و شیوه‌های جنگ در دریا، حمایت از قربانیان مخاصمات مسلحانه در دریا و مناطق عملیاتی در جنگ دریایی، موضوعاتی است که در بررسی موضوع حایز اهمیت اساسی است. در این جهت، در این فصل مقررات ویژه مربوط به شیوه‌های

جنگ دریایی حول محورهای «جنگ مین»، «اژدرها»، «موشکها»، «جنگ زیر دریایی»، «مناطق عملیاتی در زمان جنگ» و «محاصره» مورد بررسی قرار گرفته است. افزون بر این از بُعد حمایت و نیز جلوگیری از خدعه و نیرنگ به حقوق و شرایط خاص کشتیهای بیمارستانی پرداخته شده است.

یکی از موضوعات دیگری که نزد حقوقدانان در جنگ دریایی، اهمیت خاصی نزد حقوقدانان دارد، مسئله بیطرفی است. با ابتننا بر حقوق و تکالیف دولتهای بیطرف در جنگها به طور کلی، نظر به حساسیت این موضوع در صحنه عملیات دریایی، ضرورت توجه و دقت در حملات نظامی مورد تأکید است، چراکه امنیت موجودات انسانی در آب (دریا) بیشتر درمخاطره است، لذا نباید به آنچه که گمان می رود متعلق به دشمن است یا اینکه در حمایت از دشمن استفاده می شود، حمله شود و هدف مشروع نظامی تلقی گردد. به عبارت دیگر باید در عملیات دریایی، نسبت به کشتیهای نظامی، غیر نظامی و تجاری دولتهای بیطرف، اقدامات احتیاطی لازم صورت پذیرد؛ مقوله ای که از باب نفی خدعه و نیرنگ و حفظ بیطرفی، تکالیف خاصی را نیز بر عهده دولتهای بیطرف می گذارد. این مسائل و بررسی ابعاد مختلف آن در جنگ دریایی، زمینی، هوایی در فصل ۱۱ مورد مطالعه قرار گرفته است.

همواره در مطالعه حقوق بین المللی، از حیث اجرا تردید وجود دارد. بدیهی است که این بدگمانی معطوف به ساختار نظام بین المللی و محیطی است که حقوق مزبور در آن اعمال می شود، یعنی عدم وجود قدرت فایقه متمرکزی که مسئولیت این مهم را عهده دار گردد. این موضوع که در مقایسه با ساختار و نظام و حقوق داخلی، صراحت و عینیت بیشتری می یابد، در مقوله حقوق بشر دوستانه بین المللی، که حقوق زمان جنگ است، مصداق بیشتری خواهد داشت؛ چرا که این زمان، عموماً زمان احساسات و کینه توزی و نابودی دشمن است و این زمان، طبیعتاً رحم و عطف در مقایسه با خشونت عادی و معمول، بسیار کم رنگ می نماید. اما با آگاهی از طبیعت خشونت بار جنگ و نیز ساختار فاقد قدرت فائقه نظام بین المللی، با ابتننا بر کرامت ذاتی بشر، و نیز اصل جوانمردی و حمایت و صیانت از افرادی که در جنگها شرکت ندارند یا اسلحه به زمین گذاشته اند، و اینکه در جنگ، هدف غلبه بر دشمن است نه نابودی و زجر و شکنجه، دولتها تقریباً به اجماع، قواعد محدودیت را در زمینه های مختلف پذیرفته اند و این محدودیتها عموماً

رعایت شده است و همه کشورها عدم رعایت آن از سوی خود را نفی می‌کنند و به دشمن نسبت می‌دهند. اما اگر از سوی هر دولت یا گروهی تخلفی مشاهده شود، ضمانت اجراهای خاصی نیز برای آن شناسایی شده است. اوج این ضمانت اجراها را می‌توان امروزه در مقوله مسئولیت کیفری فردی مشاهده کرد که صرف نظر از تعهدات حقوقی دولتها، برای عاملین تخلفات از حقوق جنگ، در چارچوب جنایات جنگی علیه بشریت، مجازاتهای سنگینی در نظر گرفته شده است. گرچه فشار افکار عمومی و نیز اقدامات دیپلماتیک سایر دولتها و سازمانهای بین‌المللی علیه متخلفین در دوران معاصر، جایگاه ویژه‌ای دارد. این مسائل و تحلیل و بررسی آن در فصل ۱۲ انجام پذیرفته است.

آنچه که به این مجموعه ویژگی خاص بخشیده، عبارت است از سنجش و ارزیابی حقوق بشر دوستانه بین‌المللی در بستر اقدامات انجام پذیرفته دولتها و سازمانهای بین‌المللی؛ امری که در اقدامات برگرفته از تفسیر موسع از صلح و امنیت بین‌المللی از سوی شورای امنیت در سالهای اخیر محمل مناسبی برای چالش و صحت و سقم آن فراهم آمده است. اما آیا خلأ ذاتی نظام بین‌المللی را رکن سیاسی شورای امنیت می‌تواند پر کند؟ این موضوع که اساساً ساختار بین‌المللی مبتنی بر منشور را به چالش اساسی کشانده، از دیدگاه نویسندگان این مجموعه، مفروض گرفته شده است. از آنجا که موضوع در چارچوب مباحث علمی مطرح شده است، هیچ‌گونه قضاوتی در این خصوص نخواهیم کرد. اما این پرسش را طرح می‌کنیم که آیا وظیفه رسیدگی قضایی را به رکن سیاسی سپردن، با اصول حقوقی حاکم بر فرآیند رسیدگی قضایی که منطبق خاص خود را طلب می‌کند، سازگاری دارد؟ در اینجا به این نکته نیز اشاره می‌شود که به رغم جامعیت و بیطرفی ملموس حاکم بر این کتاب، فقدان نویسنده‌ای غیر غربی که دیدگاه و اندیشه و نظام فکری دیگری را در این بررسی به همراه داشته باشد، از ضعفهای این کتاب است. مطالعه این کتاب به همه دست‌اندرکاران و علاقه‌مندان توصیه می‌شود.\*

حسین شریفی طرازکوهی

\* ترجمه این کتاب در آینده نزدیک به علاقه‌مندان عرضه خواهد شد.

## فرم اشتراک سالیانه مجله سیاست دفاعی

متقاضیان اشتراک سالانه مجله می توانند با توجه به شرایط ذیل فرم اشتراک را تکمیل و به نشانی مجله ارسال دارند:

- هزینه اشتراک سالیانه (۴ جلد) مجله داخل کشور ۱۶۰۰۰ ریال برای مؤسسات ۲۵۰۰۰ ریال
- هزینه اشتراک سالیانه (۴ جلد) مجله خارج از کشور ۴۵۰۰۰ ریال برای مؤسسات ۶۰۰۰۰ ریال
- برای نظامیان، دانشجویان و اساتید دانشگاه (داخل کشور)، در صورت ارسال فتوکپی کارت شناسائی مبلغ ۱۱۰۰۰ ریال.

- وجه اشتراک به شماره حساب جاری ۵۰۰۳۰/۰۳ بانک سپه تهران شعبه دانشگاه امام حسین (ع) کد ۸۴۸ واریز، و اصل فیش بانکی به همراه فرم اشتراک ارسال گردد و یا به نمابر شماره ۷۳۰۹۶۴۱ ارسال گردد.

نشانی: تهران - صندوق پستی ۳۴۵۹-۱۶۷۶۵؛ یا

تهران. اتوبان سر لشکر شهید بابائی. دانشگاه امام حسین (ع) پژوهشکده علوم دفاعی

تلفن: ۷۳۰۹۷۴۰-۱

در ضمن تعداد محدودی از مجلات سال چهارم و پنجم و ششم به صورت صحافی شده (با جلد گالینگور) موجود می باشد که متقاضیان می توانند با واریز مبلغ ۲۰/۰۰۰ ریال یک دوره یکساله صحافی شده را دریافت نمایند. (بهای دوره سه ساله ۶۰۰۰۰ ریال می باشد) برای خارج از کشور به ازای هر دوره ۱۵۰۰۰ ریال اضافه می شود.

شماره اشتراک .....	فرم درخواست اشتراک مجله سیاست دفاعی
تاریخ .....	نام خانوادگی: نام:
	مورد تقاضا: شغل:
	نشانی کامل پستی:
امضاء	کد شهرستان
	تلفن

تذکر: در صورت تغییر نشانی، هر چه زودتر مجله را مطلع فرمائید.